

بررسی قهرمان و ضد قهرمان در سام‌نامه خواجه کرمانی

عطامحمد رادمش^۱، فرزاد رستمی^۲، مهدی خلیفه^۳

^۱ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات غنایی)، دانشگاه فرهنگیان، مازندران. (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات غنایی)، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

نویسنده مسئول: farzadr2070@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

حماسه در لغت به معنای دلآوری و شجاعت و در اصطلاح ادبی به آثار منظوم و منظوری که رخدادهای پهلوانی و اعمال دلآوری و مردانگی قهرمانان و پهلوانان یک ملت و یک آیین و کیش را که در راه استقلال کشور و حفظ آیین خویش کوشیده‌اند توصیف و منعکس کرده؛ قلمداد می‌شود. در هر حماسه همواره در مقابل قهرمان داستان نیرو یا نیروهایی متضاد قرار می‌گیرند تا وی را از رسیدن به هدف خویش باز دارند. آثاری چون سام‌نامه، تجلی‌گاه جدال مداوم دو نیروی قهرمان و ضدقهرمان است.

این جستار به منظور شناخت شخصیت و ویژگی‌های قهرمان و ضد قهرمان در اثر حماسی سام‌نامه، تنظیم گردیده است. همچنین یاریگران قهرمان و ضدقهرمان با کنش‌های متفاوت شناسایی و تفسیر شده‌اند. در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع و مآخذ استفاده شده و به استخراج ویژگی‌ها و صفات قهرمان و ضدقهرمان پرداخته است.

نتایج نشان می‌دهد که طبقه‌بندی عناصر اهریمنی و ضدقهرمان بر اساس دو عنصر نوع و کنش صورت پذیرفته است. در سام‌نامه قهرمان سام است و ضدقهرمانان به چهار دسته کلی انسانی، حیوانی، طبیعی و ماوراءالطبیعی تقسیم می‌شوند. بر اساس کنش نیز در اثر مذکور کنش جدال بالاترین بسامد را در میان دیگر انواع کنش به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه: حماسه، سام‌نامه، قهرمان، ضد قهرمان.

مقدمه

حماسه یکی از انواع ادبی است که در لغت به معنی دلیری کردن، شجاعت کردن است. نوعی از شعر وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد بنحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد (صفا، ۱۳۵۲: ۳). حماسه یکی از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی در ایران و در زبان فارسی محسوب می‌شود که نشان از فرهنگ، ادب، پویایی و زنده بودن یک ملت است؛ آن‌جا که عرصه ظهور دلآوری‌ها و شجاعت‌هاست، آن‌جا که از موجودیت ملیت خود سخن به میان می‌آورند، و در واقع حماسه مربوط به زمانی است که انسان به شعور رسیده است و تاریخ خود را در ارتباط با توضیح و تفسیر جهان نخستین و عصر آفرینش بیان می‌کند.

بیان مسأله

از قهرمان به مثابه انسانی برتر و دارای ویژگی‌های مثبت سلحشوری، گذشت و باور به راستی، عشق، آزادی و عدالت و... یاد می‌کنند. اما ضد قهرمان همواره سر شکسته و محکوم است و از نظر ویژگی‌های انسانی، نقطه مقابل قهرمان قرار می‌گیرد. بنا به تعریفی متعارف «ضد قهرمان» کسی است که ویژگی‌های منفی او بیش از ویژگی‌های مثبت اوست. ضد قهرمان، نیرنگ باز و توطئه‌گراست به حقیقت باور ندارد و در پشت فریب و توطئه پنهان می‌شود. شخصیت‌های مطرح شده در افسانه‌های حماسی نمونه‌ای کلی از سرگذشت و مظاهر کلی هستند که به دو گروه تقسیم می‌شوند که گروهی دارای خصایص پسندیده و گروهی دیگر که اهریمنی‌اند که دارای همه زدالت‌ها و پستی‌ها و پلیدی‌ها هستند که درگیری‌های این دو گروه باعث پدید آمدن ماجراهای قصه‌های حماسی و افسانه‌است. بعلاوه، تضاد خود به خود بین این دو نیرو (قهرمان و ضد قهرمان) فرصتی بی نظیر است برای بررسی و مشاهده‌ی شرّ و نیکی با همه پیچیدگی‌هایش که در وجود قهرمان و ضد قهرمان تعبیه گردیده است.

در این پژوهش، محقق در جستجوی شخصیت و ویژگی‌های قهرمان و ضد قهرمان و نوع و کنش آن‌ها در اثر حماسی سام‌نامه، است. شایان ذکر است که در این تقسیم‌بندی‌ها این دو شخصیت بر اساس کنش ممکن است به دلیل موقعیت‌های مختلفی که در آن قرار می‌گیرند در نقشی دیگر و مخالف نقش خود بروز کنند. با این تحلیل و بررسی پژوهش‌گر در پی آن است که شخصیت قهرمان و ویژگی‌های وی را بیشتر نمایان سازد و ضد قهرمان و نهایت قهر و شومی وی را برای مخاطبان آشکار نماید. و نیز نشان دهد که هر چه که ضد قهرمان قوی و نیرومند باشد و شکست او دشوار و یا غیر قابل تصور باشد اما بازم از آن‌جا که همیشه سپاه نیکی بر بدی چیره می‌شود بنابراین در پایان این اثر پیروزی و موفقیت با قهرمان است.

منبع اصلی مورد پژوهش در این تحقیق کتاب سام‌نامه خواجه کرمانی با تصحیح دکتر میترا مهرآبادی، انتشارات دنیای کتاب، است. نحوه ارجاع در این تحقیق درون‌متنی بوده و در نهایت در پایان پژوهش جزئیات جامع منابع ذکر گردیده است.

سوالات تحقیق

- عناصر اهریمنی در سام‌نامه بر اساس چه معیاری طبقه‌بندی می‌شوند؟
- ضد قهرمان چه ویژگی و چه شخصیت‌هایی دارند؟

فرضیه تحقیق

- عناصر اهریمنی (ضد قهرمان) بر اساس دو معیار نوع و کنش شکل می‌گیرد که از لحاظ انواع ضد قهرمان به چهار دسته کلی انسانی، حیوانی، طبیعی و ماوراء الطبیعی تقسیم می‌شوند. از نظر کنش نیز ضد قهرمان در گروه‌های جدال‌گر، اغواگر، مشاور و عاشق تعریف می‌شوند.
- قهرمانان که دارای شخصیت ایرانی هستند کنش الهی - انسانی دارند و ضد قهرمان دارای شخصیت انیرانی با کنش جدال‌گر و اغواگر هستند.

پیشینه تحقیق

در مورد قهرمان و ضد قهرمان مقالاتی نوشته شد از جمله نگاهی بر شخصیت، قهرمان و ضدقهرمان در ادبیات داستانی (۱۳۹۵) جعفری و رحمانیان. بررسی شخصیت اصلی داستان به عنوان ضدقهرمان در داستان خسرو و شیرین (۱۳۹۹) لیلیا جواهری. بررسی شخصیت‌های قهرمان و ضدقهرمان در چند اثر داستانی دهه‌های هفتاد و هشتاد (۱۳۹۵) کریم پور و همکاران، و ... اما در مورد قهرمان و ضد قهرمان در سام‌نامه کار نشد که در این پژوهش پرداخته می‌شود.

خلاصه داستان

سام پسر نریمان قهرمان حماسی داستان سام‌نامه است که عاشق دختر فغفور چین - پری دخت - می‌شود و برای رسیدن به او به جنگ‌ها و دلیری‌های بسیاری می‌پردازد. پری‌ای بنام عالم افروز شیفته و واله سام می‌شود و این دلدادگی تا آن‌جا پیش می‌رود که او سام را از نخجیرگاه با جادو به قصر خود می‌کشاند سپس بر او ظاهر می‌شود و عاشقیش را شرح تام می‌دهد در همین جاست که سام ناگاه چشمش بر نقش نگاری بر دیوار قصر می‌افتد. بی‌اعتنا به عالم افروز در پی نام این نگار است و پس از پرس‌وجو در می‌یابد که نقش از آن پری‌دخت دختر فغفور چین است سام عاشق و شیدای او می‌گردد و به عالم افروز و عشق او وقعی نمی‌نهد و پریشان احوال در پی پردخت می‌گردد و عزم چین می‌کند. در طول مسیر ماجراهای بسیاری رخ می‌دهد که قسمتی مربوط به کینه و مکر عالم افروز است و قسمتی نیز از حیل‌های فغفور چین است که با سام سر دشمنی دارد و در همه جا می‌بینیم که سام در برابر همه این ناملایمیت‌ها با چشمان گریان رو به درگاه خداوند می‌آورد و کمک می‌خواهد و هر بار گشایشی پیش رویش قرار می‌گیرد در پایان داستان بالاخره پس از سختی‌های زیاد و کشمکش‌های فراوان و آزمون‌های مشقت بار سام با پختگی کامل به وصال پری‌دخت می‌رسد.

ویژگی‌های قهرمان

سام نیز مانند سایر قهرمانان حماسی دارای بدنی ستبر و قوی است که او نیز در زمان تولد و بعد از آن بر خلاف سایر همسالان خود بسیار عظیم الجثه و نیرومند بوده است.

- قهرمانان اساطیری عموماً تنومند و بزرگ‌تر از سایر مخلوقاتند و بنابراین نیروی بیشتری دارند.

چو ده سال عمرش گذشت و چهار	نیارست شد چرخ با او دوچار
به سر پنجه دست از دلیران ببرد	به زر بخشی آب از کریمان ببرد
چنان شد که گر برگشودی کمین	شه چرخ را در ربودی ز زین

(سام نامه، ۱۳۸۶: ۵۲).

- عموماً بهترین و قوی‌ترین ابزارهای جنگی زمان، برنده‌ترین شمشیر، محکم‌ترین سپر، سنگین‌تر گرز و سریع‌ترین مرکب را در اختیار دارند.

منوچهر را مرکب که سرین	فرستاده بد شاه مغرب زمین
یکی بادپا برق هامون نورد	زمین کوب و دریابر اندر نبرد
به رفتار کبک و به پویه عقاب	به جلوه چو طاووس نامش غراب
فکنده بر او جل ز دیبای لعل	رکابش ز یاقوت و زرینش لعل
به سام نریمان ببخشید شاه	که آن مرکب او را سزا دید شاه

(همان: ۵۳).

- نژاده و والاگوهر و از دودمانی اصیل و تربیت یافته است. این ابیات نژاده و اصیل بودن سام را بیان می‌کند.

چنین گفت موبد مرین داستان	که از دختر شاه بلخ آن زمان
که سام یل آمد همی در وجود	برآورد هر کس به شادی سرود

(همان: ۸۱).

- دین دار و خدانشناس است و برای دست یافتن به پیروزی‌های درخشان همیشه به یاری یزدان تکیه دارد. در جای جای سام‌نامه در شرایط بحرانی و در جنگ با دشمنان، پیش از نبرد سام رو به درگاه خداوند می‌آورد و با ایزد توانا به راز و نیاز می‌پردازد و ظفر یافتن در این جنگ را تنها از خداوند می‌خواهد.

در جنگ سام با اژدهایی که در بیشه‌ای خارج از شهر بربر بود سام به بیشه‌ای داخل شده و با نعره اژدها را به مبارزه دعوت می‌کند، اژدها عصبانی می‌شود و سام از سهمناکی اژدها رنگ از رخسارش پریده به درگاه خداوند به نیایش می‌ایستد و در شکست دادن آن از خداوند کمک می‌خواهد:

یکی حمله آورد بر سام گرد	که رنگ رخ پهلوانیش برد
دگر باره آن پهلو سرفراز	به درگاه حق برد روی نیاز
نیاکان من اژدها کش بدند	همه پهلوانان باهش بدند...

(همان: ۶۹).

- در شجاعت و یکدلی یکه‌تاز میدان است و به هیچ‌روی از رویارو شدن با خطر نمی‌هراسد چنان‌که در تمام نبردهای سام شاهد شجاعت و دلاوری این پهلوان حماسی هستیم. در جنگ سام با فرعین دیو سام از نژاد و تبارش و نیز از دلاوری‌هایش سخن سر می‌دهد و می‌گوید:

که سامم به نام و نریمان پدر	به آواز گفت از نژاد و گهر
پدر بر پدر یاد دارم نهان	چنین تا به جمشید شاه جهان
به من مانده مردی و ایوان کاخ	همه رفته اندر جهان فراخ
بدادم نه دل هست نه صبر و قرار	همه نام و ننگ از پی عشق یار
نترسم ز نراژدها و پلنگ	نه اندیشه از دیو دارم نه جنگ
به یک زخم پیکار من بنگرند	هرآن کو به مردی دلاورترند
نشان کرده اندر تن بدگمان	بگفت این و بگرفت تیر و کمان
ز پشت سیم دیو رفتی به آب...	ز زخم تن دیو اندر شتاب

(همان: ۲۹۱).

قهرمان در سامنامه

قهرمان شخصیتی است که کنش داستان را پیش می‌برد و انتظار می‌رود به هدف غایی داستان نایل شود. «در شیوه داستان‌گویی غربی قهرمان عموماً شخصیت اصلی داستان است. در هر حماسه یک قهرمان (پهلوان) اصلی و معمولاً یک ضد قهرمان وجود دارد که همه یا اغلب حوادث برگرد مسائل و حوادث این دو می‌گردد. قهرمان معمولاً نیمه خداست» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۵). تایشمن و وایت نیز در مورد قهرمان معتقدند که: «قهرمان از نظر مرتبه از دیگران و نه از محیط، برتر است. در این شرایط قهرمان به ایفای نقش رهبری می‌پردازد، زیرا اقتدار این قهرمان ورای قدرت سایر مردان است» (تایشمن و وایت، ۱۳۷۹: ۴۸). قهرمان و اعمال قهرمانی هسته مرکزی حماسه را تشکیل می‌دهند. آن‌چه که به صورت واضح و مبرهن رخ می‌نماید این است که انگیزه‌های موجود در او محرک خوبی هستند برای نبرد و ستیز با دشمن آن چنان که قهرمان جانش را در میان می‌گذارد و دلیرانه به ستیز در میدان جنگ می‌پردازد.

اگر گفتار و کردار و پندار را ابعاد اصلی داستان به شمار آوریم، قهرمان حجمی است که از حاصل ضرب این ابعاد به دست می‌آید و اگر بخواهیم شخصیت قهرمانی داستانی را بررسی کنیم ناگزیر از مراجعه به کار و سخن و اندیشه او خواهیم بود بدین‌سان هر قهرمان تمامیت داستان خویش است (سرامی، ۱۳۶۸: ۷۷۳).

قهرمانان داستان‌های حماسی، نقش آفرین رخداد‌های شکوهمند رزمی و دلاوری هستند، که در راه پاسداری از آب و خاک فرهنگ اخلاق و ارزش‌های معنوی چون: آزادی، عدالت‌خواهی، کرامت انسانی و دیگر مکارم بشری می‌کوشند، و از لحاظ جهان‌بینی، اعتقادات دینی و آداب و رسوم، نمایندگان مردم خود نیز هستند. (رزمجو، ۱۳۸۶: ۲۴)

این‌ها معمولاً در سفری شرکت کرده و در این سفر به جنگ با دشمنان می‌پردازند، هوادارانی را به گرد خود جمع می‌کنند و در نهایت به مکان اولیه خود باز می‌گردند. داستان‌های آن‌ها حاوی پندهای اخلاقی است و از فرا انسان‌هایی سخن می‌گوید که به واسطه هوش، قدرت و شجاعت خود مورد توجه مردم قرار می‌گیرند (دادور و مقدم، ۱۳۸۸: ۲).

قهرمان در سام‌نامه از نوع قهرمان جدالگر است که در این حماسه به جدال با نیروهای ضد قهرمان می‌پردازد. واژه "جدل" در معنای ۱. داوری، خصومت، نزاع، ستیزه ۲. جنگ و پیکار و "جدال کردن" در معنای ۱. پیکار جستن، نبرد کردن ۲. داوری جستن، ستهیدن ۳. پیکارجویی، خصومت، کشمکش ۴. پرخاش‌جویی (مصاحب، ۱۳۸۰: ۳۲۱).

در سام‌نامه شخصیت‌های متعددی نقش ایفا می‌کنند که از میان این شخصیت‌ها سام در نقش قهرمان است و تمام حوادث داستان بر گرد او در چرخش است و تعدادی از آنان در نقش دوستان وی و یاریگر قهرمان به شمار می‌آیند و تعداد کثیری از شخصیت‌های این داستان حماسی در گروه ضد قهرمان قرار می‌گیرند که بر سر راه قهرمان موانع و مشکلاتی ایجاد می‌کنند و سعی در ناکامی قهرمانی در طی مسیر اهدافش دارند. در این فصل به بررسی شخصیت‌های این اثر حماسی می‌پردازیم.

یاریگران قهرمان در سام‌نامه

سام قهرمان که برای رسیدن به پری دخت قدم در راه می‌گذارد، در این مسیر یاریگرانی را به همراه داشت که اصلی‌ترین آنها قلواد و قلووش دو یار همیشگی و وفادار سام هستند که در کنار این دو انسان دیوازاده‌ای به نام فرهنگ نیز چون حال زار او را در عاشقی می‌بینند وی را همراهی نموده و با سام در پی پریدخت می‌روند. منوچهر نیز در آغاز این راه اسبی راهوار و ثروتی عظیم به او می‌دهد که در این مسیر بسیار برای او مفید و موثر بود. خواهر پریدخت نیز در طی این مسیر بسیار نقش موثری را ایفا کرد.

قلواد و قلووش

فغفور چین برای از سر راه برداشتن سام و به دلیل شکستی که به او وارد کرده بود، پری دخت را در سردابه قصر مخفی کرد و خبر مرگ وی را به گوش سام رسانید. او از شدت ناراحتی در کوه و دشت و بیابان آواره شده بود و ناله سر می داد که پس از آن قلواد و قلووش یاریگران همیشگی او به جستجوی او می پردازند و او را می یابند.

سوار ختایی در آمد چو باد	که ساما بقای تو جاوید باد
که امشب پری دخت حوری سرشت	به پرواز شد تا به باغ بهشت
همه خلق از این غصه خون می خورند	ندانم که این غصه چون می خورند
بر آمد ز سام نریمان خروش	دلیم در بر از غم بیامد به جوش
پس آنگاه سام یل نامدار	بر آشفته از گردش روزگار
به دیوانگی سر به صحرا نهاد	چو دیوانه در کوه و صحرا فتاد
دگر ره قمرتاش و قلواد شیر	براندند اسب آن دو مرد دلیر
نجستند روز و شب آرام و خواب	به هر راه و بیره گرفته شتاب
خبر جوی گشتند هر جا بسی	نیامد از او آگهی از کسی
چنین تا برآمد بدین سان دو ماه	نماند هیچ دشت و بیابان و راه
که ایشان نکردند از آنجا گذر	نجستند از شیر فرخ خبر

(سام نامه، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

- یاریگران قهرمان: قلواد و قلووش، دو شخصیتی که در همه حال در دفاع از جان قهرمان و یاری رساندن به او از هیچ کوششی فروگذار نکردند.
- شخصیت: انسانی - ایرانی، اینان هردو ایرانی و یکی (قلواد) دوست دوران کودکی تا بزرگسالی سام است به گونه ای که هر دو از یک دایه شیر می خوردند و دیگری قلووش پسر عموی نریمان، پدر سام است و نسبت خویشاوندی با سام دارد.
- کنش: متحد این دو شخصیت در هر حادثه ای متحد سام هستند و علیه ضدقهرمانان و دشمنان سام به مبارزه بر می خیزند.

سعدان زنگی

سام در قصر خود به خواب می رود و در خواب پریدخت را می بیند، او با شوریدگی و بد حالی بیدار می شود و در حالی که از غم عشق پریدخت بی تاب است با چشم گریان سوار بر اسب می شود و سر به کوه و دشت می گذارد. در همین حال به کاروانی می رسد که سرپرست آن شخصی به نام سعدان زنگی بوده است که اصل نژاد او ایرانی است ولی در چین مقام و سکنی دارد.

وزان جا به گنجینه دژ کرد روی	بر آهنگ جادو شده جنگ جوی
همی سام چون نزد قلعه رسید	همه کوه دریای آتش بدید
جهان را بدید او به جوش آمده	ز تابش فلک در خروش آمده
چو سام نریمان چنان حال دید	دم آتش افشان ز دل برکشید
بر آشفته بر مرکب بادپای	چو دریای آتش برآمد ز جای
همی نام یزدان فراوان بخواند	عنان بر زد و دیو سرکش براند
چو بگذشت آتش سر سرکشان	ندید از فروزنده آتش نشان
بسی آفرین کرد بر کردگار	پس آنگه برون شد به سوی حصار
ز ناگه برآمد یکی تیره گرد	خروشان چو شیر و غریوان چو رعد

در آن گرد تیره یکی بنگرید	به گرد اندرون سام نیرم بدید
به دستش سیاه اژدهایی چو مار	یکی دیو پتیاره مانند قار
به هامون در آمد فرود از ستون	برآورد آن ابر بارنده خون
بزد بر کمرگاه ژند نژند	سر و دست و دوشش به صحرا فکند
چو ناچیز شد جادوی خیره سر	روان آفرین کرد بر دادگر

(همان: ۱۱۱).

- یاریگر قهرمان: سعدان زنگی، با مشاوره‌هایی به جا و مناسب به سام یاری می‌دهد.
- شخصیت: انسانی - ایرانی قافله‌سالاری که در مسیر تجاری خویش به سام برخورد کرده و با وی آشنا می‌شود.
- کنش: راهنما، سعدان که مردی بازارگان بوده است با دیدن سام از او می‌خواهد که با کاروان او همراه شود و به تنهایی به مسیر ادامه ندهد زیرا در راه دیوی به نام ژند جادو زندگی می‌کند که تعداد زیادی از کاروانیان را کشته است. سعدان بعد از اینکه از کار و بار خود با سام سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که موبد دختر فغفور چین است از او می‌خواهد درباره خود سخنی براند. سام نیز خود را ویس و ویسان معرفی می‌کند و خود را هواخواه دختر فغفور چین می‌گوید و به سعدان زنگی می‌گوید از وجود دیو در راه ملول نباش من دمار از دیوان بر می‌آورم.

ضد قهرمان در سام نامه

ضد قهرمان فرد، عنصر یا موجودی است که از نظر اندیشه، صفات، اعمال و رفتار در قطب منفی و نقطه مقابل قهرمان قرار دارد و با او در تقابل و تضاد است. شخصیتی است که در برابر قهرمان قد علم می‌کند. «ضد قهرمان که آن را شخصیت مخالف یا «antagonist» نیز نامیده‌اند، شخصیت شریری است که مخالف و معارض شخصیت اصلی [قهرمان] است» (داد، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

عبداللهیان نیز در کتاب خویش ضد قهرمان را آنتی تز و متضاد قهرمان در داستان‌های کلاسیک خوانده است (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۴۶). بنابراین ضدقهرمان شخصیت شریری است که انتظار می‌رود در داستان به مبارزه با قهرمان برخیزد و مانع از رسیدن قهرمان به مقصودش گردد. سام علاوه بر آن که در این مسیر یاریگرانی داشته است، دشمنان و به عبارتی ضد قهرمانانی را نیز داشته است که تعداد آنها بسیار بیشتر از یاریگران اوست که بیشتر این ضد قهرمان ها دیو و جادو گر بوده‌اند که اصلی ترین آنها عالم افروز است که عاشق سام بوده است و بسیاری از دردهایی را که برای سام پیش می‌آمد، او طراحی می‌کرد و به عهده داشت. علاوه بر عالم افروز سایر دیوها و فغفور چین و سایر تورانی‌ها دشمن او می‌باشند.

ضدقهرمان جدالگر در سام‌نامه

جدال و مبارزه از عناصر اصلی حماسه محسوب می‌گردد که میان قهرمان و ضدقهرمان روی می‌دهد. فرد یا افراد چه براساس انگیزه‌های درونی چون: حرص، حسد و... و چه براساس انگیزه‌های بیرونی چون: ثروت، جاه طلبی و... در مقابل قهرمان قد علم می‌کنند به عنوان ضدقهرمان جدالگر می‌شناسیم؛ در واقع این گروه تشکیل دهندگان حماسه‌ها هستند و بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت: «ضدقهرمان جدالگر هر چهار نوع ضدقهرمان انسانی، حیوانی، طبیعی، و ماوراءالطبیعی را شامل می‌شود با این توضیح که در شیوه مبارزه آن‌ها با قهرمان تفاوت‌هایی وجود دارد» (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۳).

ضدقهرمانان جدالگر در سام نامه شامل دیوها و عناصر ماوراءالطبیعی چون عالم‌افروز، ژند جادو، مکوکال دیو، نهنکال دیو، فرعین دیو، عاق جادو، تنبل جادو، سمندان زنگی، طلاج جادو، ارقم دیو و اهرن دیو، انسانی که شامل گروه دشمنان انیرانی و چینیان است از جمله‌ی این دشمنان عبارتند از: فغفور چین، سهیل قلعه‌دار، نکش، طغان‌شاه و فرستو، حیوانی که شامل گروه دشمنانی چون سگساریان و اژدها است.

ژند جادو ضد قهرمان جدالگر

وزان جا به گنجینه دژ کرد روی	بر آهنگ جادو شده جنگ جوی
همی سام چون نزد قلعه رسید	همه کوه دریای آتش بدید

جهان را بدید او به جوش آمده
 چو سام نریمان چنان حال دید
 برآشفست بر مرکب بادپای
 همی نام یزدان فراوان بخواند
 چو بگذشت آتش سر سرکشان
 بسی آفرین کرد بر کردگار
 ز ناگه برآمد یکی تیره گرد
 در آن گرد تیره یکی بنگرید
 به دستش سیاه ازدهایی چو مار
 به هامون در آمد فرود از ستون
 بزد بر کمرگاه ژند نژند
 چو ناچیز شد جادوی خیره سر

ز تابش فلک در خروش آمده
 دم آتش افشان ز دل برکشید
 چو دریای آتش برآمد ز جای
 عنان بر زد و دیو سرکش براند
 ندید از فروزنده آتش نشان
 پس آنگه برون شد به سوی حصار
 خروشان چو شیر و غریوان چو رعد
 به گرد اندرون سام نیرم بدید
 یکی دیو پتیاره مانند قار
 برآورد آن ابر بارنده خون
 سر و دست و دوشش به صحرا فکند
 روان آفرین کرد بر دادگر

(سامنامه، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

- ضدقهرمان: ژند جادو، دیوی که بسیاری از کاروانیان را که از آن مسیر گذر داشتند کشته بود. سام با این دیو به مبارزه برمی خیزد.
- شخصیت: ماورالطبیعی، دیو، دیو قدرتی فراتر از انسان‌های عادی دارد و در جنگی بسیار سخت پس از مرارت‌های بسیار سام بر او چیره می‌شود.
- کنش: جدالگر، در مکانی به نام گنجینه دژ میان سام و ژند جادو نبرد رخ می‌دهد و در این جنگ سام موفق می‌شود سر و دست و دوش این دیو را از تنش جدا کند.

۶) فغفور چین ضد قهرمان جدالگر

سپاهش به یک ره کشیدند تیغ
 برانگیخت پس بارگی گرد سام
 شهنشه به پیل و جهانجو به اسب
 نخستین شهنشاه شمشیر بند
 از آن سوی سام نریمان چو گرد
 برآورد سام سرافراز تیغ
 سپه گشت انبوه بر دور سام
 به هر سو برو بر کمین ساختند
 ره رزم بر سام چون بسته شد
 پناهید بر داور دادرس

خروشنده گشتند یکسر چو میغ
 سوی شاه شد از پی انتقام
 رخ آورد زی همچو آذر گشسپ
 به دست اندر آورد پیچان کمند
 کمند یلی از میان باز کرد
 خروشید بر شاه چون تند میغ
 سراسر کشیدند تیغ از نیام
 به فرمان دستور کین آختند
 ز ملک تنش چند جا خسته شد
 که ای داد گستر به فریاد رس

(همان: ۲۰۸).

- ضد قهرمان: فغفور چین، فغفور شاه چین است که از شخصیت‌هایی است که در این داستان در مقابل سام قد علم می‌کند و یکی از ضدقهرمانان سامنامه به‌شمار می‌آید که برای سام مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

- شخصیت: انسانی (انیرانی- چین)، فغفور انسانی انیرانی است که این دسته (انیرانی‌ها) از گروه‌هایی هستند که دشمنان دیرینه‌ی قوم ایرانی محسوب می‌شدند و همواره از وصلت با ایرانیان پرهیز داشتند. در این داستان نیز که سام عاشق دختر فغفور چین می‌شود به جهت این که فغفور ایرانیان را دشمن خویش می‌داند و از سوی دیگر قدرت مقابله و مبارزه با سام را در خویش نمی‌بیند بر همین اساس به هر بهانه‌ای چنگ می‌زند تا او را از سر راه خویش بردارد.
- کنش: جدالگر، در این زمان که دختر فغفور شاه به دست سام اسیر است فغفور شاه که عصبانی شده و سردار سپاهش را از دست داده است، سخن سام را درباره‌ی اسارت دخترش نمی‌پذیرد و به جنگ با سام می‌پردازد.

ضدقهرمان عاشق در سام‌نامه

عشق و عاشقی در حماسه‌ها نیز دیده می‌شود. آن‌جا که ضدقهرمان در میان معرکه شیفته و واله قهرمان می‌گردد و احساساتش غلیبان پیدا می‌کند. عشق و ناکامی در آن در اکثر متون حماسی از شخصیتی عاشق، ضدقهرمانی کینه‌توز می‌سازد که در جهت انتقام از معشوق یا همان قهرمان حماسی به عنوان ضد قهرمان قد علم می‌کند و در راه رسیدن قهرمان به هدف خویش مشکلات فراوانی به وجود می‌آورد. معمولاً وجود این احساسات جان ضدقهرمان را به خطر می‌اندازد. در سام‌نامه پری دخت عاشق سام است و آنجا که از عشق سام ناامید می‌شود به کینه و دشمنی با وی می‌پردازد و سام را به بند می‌کشد اما سام با تحریک احساسات عالم‌افروز بر وی چیره می‌شود و خنجر را در قلبش فرومی‌نشانند.

عالم‌افروز ضد قهرمان عاشق

در این قسمت سام وارد کاخ عالم‌افروز می‌شود.

سرافراز سام از فراز سمند	چو سلطان انجم ز چرخ بلند
فرود آمد و سوی بستان شتافت	چو بلبل به سوی گلستان شتافت
یکی کاخ دید اندرو چون بهشت	عقیقیش دیوار و زرینه خشت
روان گشته بر گوشه‌ بارگاه	خرامنده سروی به رخسار ماه
یکی نازنین دختری دید سام	ابا عیش و با عشرت و تازه کام
که هرگز چنان نازنین کس ندید	ندید و نه از بخردان کس شنید
دوان رخ سوی سام نیرم نهاد	سخن گفت و پیشش زمین بوسه داد
من آن گور فربه سرینم که سام	همی خواست کش سر درآرم به دام
ز افسون جدا کردم از لشکرت	به خدمت ستادم کنون در برت
همین گلشن و قصر زان من است	کجا عالم‌افروز نام من است

(همان: ۵۶).

- ضدقهرمان: عالم‌افروز، که عاشق سام است اما سام به او بی‌توجه است و همین بی‌توجهی باعث می‌شود که عالم‌افروز به ضدقهرمان تبدیل شود و علیه سام به نیرنگ‌هایی دست می‌زند.
- شخصیت: ماوراءالطبیعی (پری)، عالم‌افروز در تلاش است تا با جادو سام را اسیر و دلباخته‌ی خویش نماید.
- کنش: عاشق، عالم‌افروز عاشق سام است و در این میان با ترفندی سام را به قصر خویش می‌کشاند و خود و عشق خود را بر او عرضه می‌دارد ولی سام به او بی‌توجهی می‌نماید.

ضدقهرمان اغواگر در سامنامه

اغوا و فریب یکی دیگر از ترفندهای جنگی می‌باشد که جنگجویان به کار می‌گرفتند و با این ابزار رقیب خود را از میدان به در می‌کردند. « این دسته از ضد قهرمانان کارشان اغواگری و فریبندگی قهرمان و یاران اوست و در پشت این فریبندگی هدفی رادنبال می‌کنند این هدف گاه ممکن است تنها نجات خود از جنگال خصم و گاه نیز پیروزی نهایی ضد قهرمان و لشکریان را در پی داشته باشد. در هر حال نیرنگ در جنگ مشروع شناخته شده است و می‌بایست در برابر لشکر مقابل به کاربرد تا آنجا که خلاف مردانگی نباشد فتح را باید به هر قیمت به دست آورد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۳۳). در هر صورت این گروه با فریفتن قهرمان سعی در نابودی و یا اسیر کردن قهرمان دارند. در سامنامه آنجا که فغفور چین از شکست دادن سام ناامید می‌شود و به این باور می‌رسد که نمی‌تواند او را شکست دهد با کمک وزیر خویش و مشورت با او سعی در اغواگری و فریب سام دارد اما در نهایت در این راه نیز ناکام می‌ماند.

در سامنامه نیز فغفور چین با کمک رایزن خود سعی در اغواگری و فریب سام دارند و در تلاشند که وی را بفریبند و او را نابود سازند.

فغفور چین ضدقهرمان اغواگر

سام بعد از اینکه پری نوش را آزاد کرد همراه او به سمت کاخ فغفور چین حرکت کرد. بعد از رسیدن به چین به پای کاخ پری دخت (معشوقه اش) رفت، و شروع به آواز خوانی و سر دادن نوای عشق برای وی کرد. پری دخت نیز که از عشق سام بی تاب بود شروع به غزل خوانی کرد؛ بعد از اینکه این غزل خوانی‌ها در چند مرحله بین این دو عاشق و معشوق رد و بدل شد بالاخره سام با هزار سختی به کاخ دلبر وارد شد و به هم نشینی و هم سخنی با پری دخت پرداخت.

یکی از مقیمان آن بارگاه	فرو گفت در گوش فغفور شاه
از آن رفتن سام در بوستان	دگر قتل چوبک زن و پاسبان
ولیکن بگفت اینکه شب تا سحر	بخورد از نبات پری دخت بر
چو آن گفته بشنید فغفور چین	بر آشفست و بر ابرو افکند چین
بگفتا چه سازم که این مرد گرد	نهنگی است با رزم و با دست برد
مگر چاره سازم به هنگام می	به بیهوش دارو بگیریم وی
چو شد سام سست از می خوش گوار	بیفتاد از پای آن نامدار
گرفتند او را هم اندر زمان	کشیدند در زیر بند گران
جهانسوز ترکان پر چین کمند	به مستی گرفتند و کردند بند

(سامنامه، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

- ضدقهرمان: فغفور چین

- شخصیت: انسانی - ایرانی (چینی)

- کنش: اغواگر، سام بعد از ملاقات با پری دخت به کاخ فغفور چین وارد شد و بعد از ملاقات با فغفور با او به شکار رفت. در همین حین جاسوسان فغفور به او گزارش می‌دهند که سام با پری دخت در طی چند مرحله ملاقات داشته اند. پادشاه چین که از این واقعه آزرده شده بود دستور می‌دهد که سام را به شام دعوت و در زمان نوشیدن شراب او را در بند کنند. با فریب دادن سام و دعوت کردن او به میهمانی او را در بند می‌کنند.

عالم افروز ضد قهرمان اغواگر

چو دید آنکه با دختری خوب روی	سخن گفت و پر رشک گردید ازوی
ز افسونگری سام را در ربود	به روی هوا رفت مانند دود
بر مرغزاریش آورد باز	وزان پس درآمد به سوز و گداز
که ای نامور کام من کن روا	ممان تا ز هجران شوم بینوا

سخنهای او چونکه بشنید سام	بگفتا نبینی ز من هیچ کام
پری زین برآشفته گردید و گفت	که اکنون سخنها ندارم نهفت
چو از من رخ خویش برتافتی	سوی وادی جور بشتافتی
مرا هم بود چنگ کینه دراز	چو بینم که محرومی آمد فراز

(همان: ۹۵).

- ضدقهرمان: عالم افروز پری، یکی از شخصیت‌های ضدقهرمان در سام‌نامه عالم افروز است. این پری که شیفتهٔ سام است چون سام به او و عشقش واقعی نمی‌نهد در تلاش است تا با ایجاد مشکلات فراوان بر سر راه سام وی را از رسیدن به هدف خویش بازدارد.
- شخصیت: ماوراءالطبیعی، پری، می‌توان گفت این نوع شخصیت که شخصیتی ماوراءالطبیعی است قدرتی بسیار بالا دارد و با تمسک به انواع حيله و جادو سعی در اغوای قهرمان داستان دارد.
- کنش: اغواگر، عالم افروز پری زمانی که دید سام عاشق عکس پریدخت شده است بر آن دختر رشک می‌برد و سام را می‌دزدد و به مرغزار خودش می‌برد. عالم افروز پری از سام می‌خواهد که عاشق او شود و کام او را روا کند اما سام با این درخواست او مخالفت می‌کند، اما عالم افروز از تلاش خود دست بردار نیست و سعی در فریب و اغواگری سام دارد.

ضدقهرمان جادو در سام‌نامه

وجود جادو و جادوگران همراه با نیرنگ‌هایشان در حماسه بسیار مشهود است آن‌ها بر سر راه قهرمانان به اشکال مختلف ظاهر می‌گردند تا آنان را از رسیدن به هدف خود بازدارند. ساحر و ساحران در منظومه‌های حماسی عالم، مقام و مرتبتی، دارند وقتی سر و کار دشمنان با پهلوانان بزرگ باشد که با ایشان به نیروی شمشیر و بازو برابر نمی‌توان برآمد ناچار به سحر و ساحری متوسل می‌شوند. جالب این‌که جادوگران همواره زن بودند و از این حیث می‌توان آن‌ها را در گروه ضدقهرمانان انسان‌وار قرار داد و جادوهایی را که ظاهر می‌کنند اشکال مختلف می‌باشند از زنی زیبارو در سام‌نامه تا شیرینی درنده در نبرد اسفندیار. در سام‌نامه عالم‌افروز پری از جملهٔ ضدقهرمانان جادو است که خود را به صورت زنی زیبا در مقابل سام مجسم می‌کند و سعی دارد تا از وی کام بگیرد. همچنین جادوان بسیار دیگری نیز در سام‌نامه وجود دارند که ژند جادو، عاق جادو، تنبل جادو، تلاج جادو و... از جملهٔ آنان است و سام به مبارزه با آن‌ها می‌پردازد و همه را شکست می‌دهد.

از جملهٔ شخصیت‌هایی که از جادو برای شکست قهرمان استفاده می‌کند عالم افروز است. او با جادوگری و توان خارق‌العادهٔ خود سعی در به دام انداختن سام دارد.

عالم‌افروز ضد قهرمان جادو

یکی گور دید اندر آن پهن دشت	که برطرف نخجیرگه برگذشت
یل نامجو سام پهلوس نژاد	اش همچو بادتکاور براند از پی
چو سلطان جمشید زرینه جام	زبون گشت در دست سلطان شام
نه نخچیر دید نه نخچیرگاه	نه گوران نه شیرافکنان سپاه
بیابان خون خوار و مأوای دیو	ز هر سو برآورده غولان غریو

(همان: ۵۴-۵۵).

- ضدقهرمان: عالم افروز، پری‌ای است عاشق سام، که در راه رسیدن به سام هر نقشه‌ای طراحی می‌کند و باز هم ناکام می‌ماند.
- شخصیت: ماوراءالطبیعی - پری
- کنش: جادو، سام زمانی که مشغول شکار در پهن دشت بود گوری از جلو او عبور می‌کند که سام پهلوان نیز برای شکار او گام اسبش را تیز می‌کند که گور را به دام بیندازد اما بعد از رسیدن به آن متوجه می‌شود که آن گور پری بیش نیست!! عالم افروز خود را در هیبت گوری زیبا به سام نشان می‌دهد تا او را به دنبال خود بکشاند.

ضدقهرمان مشاور در سام نامه

مشاوره و راهنمایی همواره یکی از کلیدهای موفقیت در نبرد میان دو تن بوده است. فرد یا افرادی که در موارد مختلف طرف مشورت ضدقهرمان قرار می‌گیرد. یکی از این موارد: «مشورت در نبردهای مختلف ضدقهرمان علیه قهرمان است، که با ارائه طریق در شیوه‌های نبرد و سایر موارد به او یاری می‌رسانند، و آن چه که واضح است این‌که این افراد از گروه‌های عادی جامعه نیستند بلکه از حکمرانان و بزرگان لشکری و کشوری هستند مانند: پیران ویسه در میان تورانیان که ایفا کننده این نقش است و در هیئت ضد قهرمان سپهدار و جدالگر می‌آید» (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۳). در سام‌نامه ضدقهرمان مشاور وزیر فغفور چین است که در جهت شکست سام، فغفور به رایزنی با او می‌پردازد.

وزیر فغفور ضد قهرمان مشاور

مرا هم پدیر هم گرامی وزیر	به دستور گفت ای جهان‌دیده پیر
به هر جایگه همدم بوده ای	تو در هر سخن محرمم بوده ای
اگر گیریم در چنین ورطه دست	مرا التماسی کنون از تو است
که او را چگونه بسازیم رام	بگو با من اکنون تو از کار سام
که بدنام گشتم به روی زمین	بگو تا چه سازم درمان درین
میامیز تو زهر با انگبین	به پاسخ چنین گفت دستور این
که آریم نیرنگ و رنگی پدید	ز خون ریختن دست باید کشید
تو یک چند هجران کنی اختیار	بگویم گر بایدت وصل یار
ترا برد باید ازین در سپاه	اگر میل پیوند داری به شاه
به کشتی و لنگر برو بی درنگ	ز ماچین سپه بر به دریای گنگ
نهنگال را سر زیان آوری	چو از تخم گر شسپ نام آوری
چو آری سرش شو تو داماد من	بود مهر دختر سر اهرمن

(سام‌نامه، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

- ضد قهرمان: وزیر فغفور، در اموری که فغفور قصد جنگ با سام را دارد این وزیر با مشاوره‌های زیرکانه خویش و پیشنهادهای بهتر به فغفور او را از جنگ باز می‌دارد و راه دیگری را پیش روی وی می‌گذارد.
- شخصیت: انسانی (انیرانی - چین)، وزیر و مشاور فغفور که بسیار هوشمند است. و در سپاه فغفور و علیه سام است.
- کنش: مشاور بعد از اینکه فغفور از میدان مبارزه فرار می‌کند، او با سام از در صلح و آشتی بر می‌آید و وی را با چرب زبانی می‌فریبد و به کاخ خود می‌کشاند. سام بعد از وارد شدن به قصر پری دخت را از فغفور چین خواستگاری می‌کند، فغفور شاه نیز که از دشمن همیشگی خود نهنگال دیو ترس داشته است با مشورت و صلاح دید وزیرش، سام را برای مبارزه با نهنگال می‌فرستد و شرط ازدواج آنها را آوردن سر نهنگال تعیین می‌کند؛ بدین وسیله می‌اندیشد که با فرستادن سام از دست او خلاصی می‌یابد.

در جدول های زیر ویژگی ها، شخصیت و کنش های قهرمان و ضد قهرمان و یاریگران آن ها بطور خلاصه نشان داده می شود.

جدول ۱. ویژگی های قهرمان و ضد قهرمان

ویژگی	نام	شخصیت	کنش ها	یاریگران
قهرمان	سام	ایرانی	الهی-انسانی	قلواد وقلوش- سعدان زنگی
ضد قهرمان	فغفور	انیرانی	جدال گر - اغواگر	ژند جادو، عالم افروز، وزیر فغفور و پیران ویسه

جدول ۲. ویژگی یاریگران قهرمان

نام	شخصیت	کنش ها
قلواد و قلووش	ایرانی	متحد - یاور همیشگی
سعدان زنگی	ایرانی	راهنما

جدول ۳. ویژگی یاریگران ضد قهرمان

نام	شخصیت	کنش ها
ژند جادو	ماورائی	جدال گر
عالم افروز	ماورائی	عاشق و کینه جو- اغواگر
وزیر فغفور	انیرانی	مشاور
پیران ویسه	انیرانی	مشاور

نتیجه گیری

با دقت در شخصیت های داستانهای حماسی می توان آنها را بر اساس معیارهای مختلف طبقه بندی نمود. در این پژوهش طبقه بندی عناصر اهریمنی (ضد قهرمان) بر اساس دو معیار نوع و کنش صورت پذیرفته است که از لحاظ انواع، ضد قهرمانان به چهار دسته کلی ضد قهرمان انسانی، حیوانی، طبیعی و ماوراءالطبیعی تقسیم می شوند. از نظر کنش نیز ضد قهرمان در گروه های: جدالگر، اغواگر، مشاور و عاشق قابل تعریف هستند.

در حماسه سام نیرم که یکی از زیباترین حماسه های پرداخته شده در ادب فارسی می باشد، هم چنان که مشاهده شد سام بعد از فریب توسط عالم افروز و دیدن چهره پریدخت عاشق و شیدا می شود و برای به دست آوردن دخت فغفور چین هزاران مشکل را پشت سر می گذارد.

در این حماسه قلواد و قلووش که یاریگران همیشگی سام هستند در کنار وی حضور دائمی دارند و از طریق سپهداری او را یاری می رسانند. فغفور چین نیز که همیشه با ایرانیان در جنگ و جدال است از اینکه یک ایرانی خواهان دختر اوست در تپش است و همواره در تلاش است تا از این وصلت جلوگیری نماید؛ اما سام با درایت و قدرت پری دخت را به دست می آورد بر تخت سلطنت می نشیند.

در این حماسه که شاهد قهرمانی ها و رزم آوری های سام هستیم کنش جدال از بیشترین و بالاترین بسامد برخوردار است که تمام این کنش برای رسیدن سام به هدف است. در این حماسه پیسته پهلوان در نبرد و جدال با ضد قهرمانان است. ضد قهرمانان گاه با مبارزه علنی و گاه نیز با اغواگری و فریب در پی شکست و نابودی قهرمان هستند. اما در نهایت سام بر نیروهای ضد قهرمان پیروز می شود و این نشان دهنده همان پیروزی همیشگی سپاه خیر بر لشکر بدی و شر در متون اساطیری است.

منابع و مأخذ

- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۸۱). زندگی و مرگ پهلوان، چاپ دوم، تهران: زوار.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۶). تحول اسطوره های ایرانی، به کوشش محمد رضا ارشاد، چاپ پنجم، تهران: هرمس.
- تایشمن، جنی و گراهام وایت (۱۳۷۹). فلسفه اروپایی در عصر نو، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، نشر مرکز.
- داد، سیما (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی، ج اول، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- داور، قاسم، نسرين مقدم (۱۳۸۸). «درآمدی بر ارتباط قهرمان اسطوره ای با هنر معاصر، مطالعه موردی (طرحی دو بعدی و سه بعدی شخصیت های اسطوره ای)»، نشریه هنرهای زیبایی، ش ۲۳، صص ۳۹-۴۷.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۶). قلمرو ادبیات حماسی ایران، ج ۱ و ۲، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رنج خار، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲). حماسه سرایی در ایران، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱). شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر، چاپ سوم، تهران: سمت.
- کرمانی، خواجو (۱۳۸۶). سام نامه، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). دایره المعارف فارسی، کتابهای جیبی، دو جلد، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- یوسفی، هادی و دیگران (۱۳۸۹). ضد قهرمان در شاهنامه و منظومه های پهلوانی ایران، چاپ سوم، تهران: مرکز تحقیقات علوم انسانی.

Abstract

Epic, in its literal sense, means bravery and courage and in its literary meaning, it refers to poetry and prose which depict and reflect the courageous acts and events and the bravery of the heroes of a nation and a creed attempting to achieve independence and keeping their own creed. In every epic, there have always been some opposite forces against the hero in order to prevent his achieving his goals. Such works as Sam-Nameh is a representation of the constant fight between the hero and anti-hero forces.

The present study has attempted to identify the personality and the characteristics of heroes and anti-heroes in Sam-Nameh. The helpers of the heroes and anti-heroes with different actions have been identified and interpreted. Having applied a descriptive-analytic approach and collected data through studying the references, the present study has extracted the characteristics and the features of the heroes and anti-heroes.

The results show that the evil and anti-hero elements have been classified based on two elements including the type and action. In Sam-Nameh, Sam is the hero and the anti-heroes are generally classified into four main groups including humane, bestial, natural, and supernatural. Also, in terms of the action, in Sam-Nameh, fighting has been the most frequent among the other actions.

Keywords: epic, Sam-Nameh, hero, anti-hero